درود وسلام بر منجي عالم بشريت امام زمان (عج) و سلام بر رهبركبير انقلاب اسلامي ايران وسلام بر تمامي شهيدان ايران, وصيت نامه خود را شروع مي كنم.

پروردگارا ياران همه رفتند, من بيچاره در انتظارم, خدايا ديگر خجالت ميكشم كه به وطن بازگردم, مدت زيادي است كه در انتظار چنين روزي نشسته ام, خدايا به اين بنده گنهكار رحم كن, خدايا از تقصيرم بگذر, خدايا با چه رويي به در خانه ات بيايم از تو خجالت مي كشم, اگر در اين ساعت شب اين وصيتنامه را مي نويسم با عشق تمام و بدنم غرق در خوشحالي است, چون مي دانم كه جاي من كجاست و به سوي چه كسي خواهم رفت, جايي مي خواهم بروم كه حسين (ع) با 72 تن رفت, جايي مي خواهم بروم كه شهداي ايران رفتند, خدايا به اين بنده ضعيف رحم كن.

وشما اي قدرتهاي بزرگ شرق و غرب بدانيد بخاطر اسلام و دين محمد (ص) اين راه را پيش گرفته ام و اگاه بودم. اي منافقين كوردل بدانيد به زودي در اخرت شما در جهنم جايگاهتان خواهد بود و ما در پيش خدا سربلند خواهيم بود, اي دنيا بدان كه تو را بزودي طلاق خواهم داد, من در لحظه شهادتم نشسته ام و روز شماري ميكنم.

اي ملت شهيد پرور, اي بنده حقير كوچكتر از ان هستم كه پيامي به شما بدهم ولي چند كلمه صحبت كوتاهي با شما دارم, از امام امت دست برنداريد و او راپشتيبان باشيد و به دستور رهبركبير انقلاب گوش فرا دهيد و فرزندان خود را هر چه زودتر راهي جبهه هاي جنگ كنيد كه جبهه ها دانشگاه است, دانشگاه حسين (ع), اين دانشگاه بزرگترين درس عبرت را به فرزندان شما مي اموزد و اين درس براي شما پدران و مادران مفيد خواهد بود, چشم ملت ايران, چشم امام زمان, چشم امت به شما پاسداران است, پس قدر خود را بدانيد كه چه مقامي پيش خدا داريد.

و اما روي سخنم با پدر و مادر مهربان و محترمم, پدر و مادر و برادران و خواهرانم انشاالله كه خدا به همگي شما صبر و اجر جزيل بدهد, اين را مي دانم كه همگي شما براي من خيلي زحمت كشيديد ولي من خيلي از شما نافرماني كردم و نا فرمانيم از روي ناداني ام بوده, مرا ببخشيد اگر نتوانستم جبران زحمات شما را بكنم, اجر شما با خدا.

پدر و مادر وبرادران و خواهرانم نمي گويم براي من گريه نكنيد ,چرا گريه كنيد چون يكي از سلاحهاي مومن گريه است, ولي گريه تان گريه افسوس نباشد بلكه گريه شوق باشد, گريه تان به ياد امام حسين (ع) و يارانش و به ياد علي اكبر و علي اصغر باشد, گريه نكنيد كه دشمن شاد شود, مادر مگر علي اكبر و علي اصغر حسين (ع) و حضرت قاسم در روز عاشورا كشته نشدند, مگر دو دست حضرت عباس را در راه اسلام از تن جدا نكردند, من كه از ان بزرگواران عزيزتر نبودم, من يك بنده گنهكار بيش نبودم كه اگر سالها گريه و زاري و عبادت ميكردم نمي توانستم گناهانم را جبران كنم, ولي كسي كه به فيض شهادت ميرسد تمام گناهانش بخشيده مي شود.

صحبتي با همسرم دارم, دلم مي خواهدكه زينب گونه در برابر مشكلات استقامت كني و مرا ببخشي و مرا حلال كني كه نتوانستم براي تو همسر خوبي باشم, و از تمام قوم و خويشان مي خواهم كه هر بدي به انها كرده ام ببخشند و حلالم كنند.

والسلام علي عبادالله الصالحين

قاسم زماني

تاريخ 12/11/1364